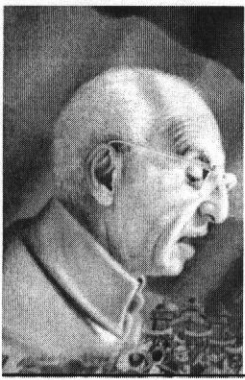


استقرار حاکمیت ملی
هدف جبهه ملی ایران است



بنام خداوند جان و خرد

ایران باید از فرصتها فقط بر پایه حفظ منافع ملی خود بهره بجوید

و اعتراض چین، برای سرکوب نیروهای چینی که گاه به گرجستان پناه می‌برند، یکباره دست به گسیل داشتن نیروی نظامی به گرجستان می‌زند و هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد. در این میان به یک اعتبار فقط حاکمیت ایران است که همچنان در چارچوب شعاری و برکنار از یک تحلیل همه جانبه در راستای منافع ملی، به کلی گویی پرداخته و با وجود موضع گیریهای شدید صدام و طه یاسین رمضان در برابر ایران و لطمه کم نظیر و فاجعه آمیزی که طی هشت سال جنگ، عراق و رژیم صدام بر ایران وارد ساختند، همچنان به تکرار موضعی ادامه می‌دهد که هیچگونه توجه منطقی در پیوند با منافع ملی ایران در محتوای آن دیده نمی‌شود. اینکه

مردم عراق خود باید سرنوشت خویش را تعیین کنند و آمریکا نباید به عنوان قدرت برتر جهان هر چه می‌خواهد انجام بدهد، سخن دلنشینی است، ولی واقعیت‌های تلخ موجود به هیچ وجه همخوانی با آن ندارد. در حالیکه صدام بزرگترین فاجعه قرن را بر ملت ایران تحمیل ساخت و با وقاحت هر چه تمامتر اظهار می‌دارد که بزرگترین گله‌اش از خداوند آنست که چرا ایرانی، اسرائیلی و مگس را آفریده و طه یاسین رمضان حاکمیت ایران را با صراحت به همکاری با اسرائیل متهم می‌سازد، چگونه است که بر قدرت نشستگان طی سالها بعد از جنگ همه را نادیده انگاشته و گویی که قطعنامه ای بنام قطعنامه ۵۹۸ وجود نداشته و دبیر کل سازمان ملل، عراق را مسئول تجاوز به ایران معرفی نکرده است. حالا هم که

تا جولان را تخلیه کند. ترکیه نیز می‌کوشد تا از ایجاد حکومت فدرال در عراق و قطعیت یافتن خودمختاری کردها در شمال آن کشور جلوگیری کند، زیرا آن را عاملی برای تقویت موقعیت پانزده میلیون کرد باشند ترکیه و تلاش آنها برای دستیابی به گونه‌ای خودمختاری مشابه شمال عراق می‌داند. به همین دلیل است که طی

در صورت حمله به عراق، ایران باید از فرصتها فقط بر پایه حفظ منافع ملی خود بهره بجوید، هیچکس حق ندارد با هیچ بهانه و استدلالی کشور را به آتش بکشد.

چند ماه گذشته در چارچوب رهبری حرکت پان ترکیسم خود، به بهانه حمایت از شماری از ترکمن‌های ساکن عراق، خواستار سلطه یافتن بر منطقه مهم و نفت خیز کرکوک و موصل می‌باشد. ترکیه با طرح این مطلب می‌خواهد به مرگ بگیرد تا به تب راضی شوند. در مجموع، همه کشورهای منطقه هر یک به گونه‌ای با توجه به منافع ملی روشن خویش در مورد حمله آمریکا و انگلیس به عراق و پیامدهای آن موضع خاص خود را داشته و دارند، همانطور که کشورهای صاحب قدرت جهان نیز مانورهایشان در راستای حفظ منافع ملی صورت می‌پذیرد، چنانکه روسیه بدون کسب مجوز از شورای امنیت و با اطمینان خاطر از سکوت آمریکا و نادیده انگاشتن موضوع از سوی اتحادیه اروپا

بیش از همه به جنبه‌های روابط اقتصادی با عراق می‌اندیشند، چنانکه روسیه پیشنهاد بستن یک قرارداد ۴۰ میلیارد دلاری را مطرح ساخته است. کشورهای عربی خاورمیانه که هیچ یک، بویژه عربستان، مصر و کویت تمایلی به ادامه رژیم کنونی صدام ندارند، با این حال به دلایل مختلف، از جمله برخی موضع گیریهای آمریکا در

قبال ساختار غیرمردمسالارانه شان از یک سو، فشار بیش از حد اسرائیل بر فلسطینی‌ها با حمایت آمریکا، بر خلاف جنگ خلیج فارس نغمه مخالفت سر داده‌اند و حتی عربستان تا چند روز پیش اعلام داشته بود که آمریکا حق استفاده از پایگاههای خود در عربستان برای حمله به عراق را ندارد ولی قطر پایگاههای نظامی بسیار مجهزی را که بوسیله آمریکاییها ساخته شده در اختیار گذارده است اینهمه در حالی است که بنظر نمی‌رسد اگر حمله به عراق قطعی شود و توافق‌های پشت پرده در مورد گروه جانشین با کشورهای منطقه به انجام برسد هیچ یک از آنها در عمل مشکلی در برابر آمریکا پیش نمی‌آورند. مخالفت‌های سوریه نیز در راستای آنست که بتواند آمریکا را وادار به فشار بر اسرائیل سازد

در صورت حمله به عراق، ایران باید از فرصتها فقط بر پایه حفظ منافع ملی خود بهره بجوید، هیچکس حق ندارد با هیچ بهانه و استدلالی کشور را به آتش بکشد.

با فرارسیدن سالروز فاجعه ۱۱ سپتامبر، بار دیگر که در سراسر جهان با تعبیرهای مختلف درباره این رویداد سخن گفته شد و هر قدر مقامهای آمریکایی بر روی مرحله دوم عملیات، یعنی حمله به عراق، بیشتر تأکید کردند، موضع گیریها و اظهارنظرهای مخالف کشورهای صاحب قدرت جهان و کشورهای منطقه خاورمیانه اوج بیشتری گرفت. در خود آمریکا نیز شمار کمی از اعضای کنگره نیز در گفته‌هایی دو پهلو خواستار آن شدند که رئیس جمهور و وزیران دفاع و امور خارجه و مسئولان امنیت ملی به گونه‌ای روشن تر دلایل ضرورت حمله را توضیح بدهند. در میان کشورهای اروپایی آلمان و فرانسه بیش از همه نغمه مخالفت ساز کردند که هر یک دلایل خاص خود را دارند. آلمان نگران انتخابات سرنوشت ساز خود است و فرانسه با توجه به طلب‌های خود از عراق و چشم دوختن به روابط اقتصادی حسنه‌ای که می‌تواند با رفع بحران با عراق داشته باشد، با تصمیم یک جانبه آمریکا مخالفت می‌کند و معتقد است که باید در این باره سازمان ملل و بویژه شورای امنیت تصمیم گیری کند. روسیه و چین نیز خواستار آن هستند که با بازگشت بازرسان سازمان ملل به عراق ماجرای حمله نظامی منتفی شود. این هر دو نیز

در شماره قبل شعری از استاد ادیب برومند با نام کوچه های درد به چاپ رسید که متاسفانه اشکال چاپی داشت که با توجه به مضمون عمیق آن بار دیگر این شعر بطور کامل به چاپ میرسد.

کوچه های درد

من شاعر کوچه های دردم	صورتگر چهره های زردم
بر حال فسرده ی جوانان	سر تا کف پای، غرق دردم
زائینه ی چهره های بی نور	بر چهره ی جان نشسته گردم
بر حال گرسنگان رنجور	شد چاک ، دلم ز رویکردم
فقر و غم و درد بی دواشان	با عاطفه ساخت همبردم
بازار فساد گرم و احساس	بنشانده عرق به جسم سردم
زن ها لب پرتگه لغزش	شرمنده از آن منم که مردم
خون کرد دلم به نیمه شبها	سرگشته جوان کوچه گردم
در کوچه و برزن و خیابان	زین سیر و سیاحتی که کردم
جز غصه نبود دستگیرم	جز یاس نبود پایمردم
تا دین شده آلتی چو ابزار	من در پی درد رهنوردم
بر روح شهید راه میهن	تکریم کنان به سالگردم
در ششدر غم اسیرم اما	با داو خطر، حریف نردم

ادیب برومند

شرایط اتحادیه اروپا برای مبادلات اقتصادی

پس از مذاکرات طولانی و رفت و آمدهای متعدد، اتحادیه اروپا شرایط چهارگانه خود را برای گسترش مبادلات تجاری با ایران اعلام کرد:

- ۱- عدم حمایت از تروریسم
- ۲- عدم تلاش برای دستیابی به سلاح های کشتار جمعی
- ۳- به رسمیت شناختن اسرائیل
- ۴- رعایت حقوق بشر

بدون تردید مواضع جناح اقتدارگرا در سالهای اخیر، بازداشت های مکرر فعالان سیاسی و محاکمه غیر علنی آنها، توقیف و تعطیل هشتاد و چند روزنامه و نشریه و تشدید محدودیتهای سیاسی و اجتماعی و بطور کلی به بن بست رسیدن اصلاحاتی که از سال ۱۳۷۶ وعده آن داده شده بود، در این تصمیم گیری اتحادیه اروپا بی تاثیر نبوده است. اگر چه وزارت امور خارجه ایران این شرایط را رد کرده ولی با توجه باینکه بر خلاف معمول غیر از رد دیپلماتیک بیانیه اتحادیه اروپا، حمله و هجوم تبلیغاتی دیگری از طرف مقامات جمهوری اسلامی و همچنین صدا و سیما و روزنامه های جناح راست علیه اتحادیه اروپا صورت نگرفته است، انتظار می رود مذاکرات بصورت پنهان و آشکار ادامه یابد. اگر چه بنظر نمی رسد اتحادیه مذکور در شرایط فعلی جهان از مواضع خود عقب نشینی کند و توافق غیر مشروط با ایران را در زمینه مسائل و روابط اقتصادی بپذیرد.

بوش در کنار موضع گیریهای پیشین خود جرأت کرده و با صراحت عراق را مسئول حمله به ایران و ده بار بمباران شیمیایی به ایران معرفی می کند، شاید برآنیم که بجای بهره گرفتن از این گفته ها برای زنده ساختن قطعنامه ۵۹۸ و اادار ساختن شورای امنیت به فشار وارد آوردن بر عراق برای عمل کردن به مفاد آن و پرداخت غرامت به ایران و پوزش خواهی از این ملت، همچنان به تکرار گفته های قبلی و حمله به آمریکا ادامه می دهیم. ما یکبار فرصت بسیار مناسبی را در زمان کلیتون که برای نخستین بار در تاریخ آن کشور خود او و وزیر خارجه اش بدلیل مشارکت در کودتای ۲۸ مرداد از ملت ایران پوزش خواهی کردند از دست دادیم. در حال حاضر با توجه به گفته های بوش و اظهار نظر صریح "ریچارد آرمیتاژ" معاون وزارت خارجه آمریکا که اعلام داشت: "ایالات متحده خواستار بهبود روابط با ایران می باشد اما در انتظار پیش قدمی تهران در این زمینه است"، باز هم بدلیل اختلاف میان صاحبان قدرت در اینکه چه کسی و چه گروهی طرف مذاکره با آمریکا باشد، در بحرانی ترین شرایط ممکن در حال از دست دادن فرصتی دیگر هستیم.

در دنیایی که قدرت هایی چون اتحادیه اروپا، روسیه، چین، ژاپن و هند با وجود برخی اختلاف نظر ها، بطور مستمر و با فاصله های زمانی کوتاه برای حفظ منافع خویش با آمریکا مذاکره می کنند و به تفاهم و تعامل می رسند، این کدام منطق و استدلال مبتنی بر حفظ منافع ملی ایران است که به این بر قدرت نشستگان اجازه می دهد تا منافع حساس و مهم ملی ایران را فدای تاوادم سلطه و قدرت خویش بسازند و ملت ایران را در بحرانی درگیر کنند که می تواند فاجعه ای سهمگین را بر آن تحمیل سازد.

در پی مجموعه ای از عوامل و موضع گیریهای داخلی و خارجی شاهد آنیم که تندروان دولت بوش به ناچار صلاح بر این دیدند که بر خلاف اظهار نظرهای صریح قبلی، در یک مانور خاص، موضوع عراق را به شورای امنیت ببرند. ولی در نطق ۲۸۰۰ کلمه ای بوش، با وجود مانور یکباره عراق دایر بر اعلام آمادگی جهت پذیرش بازرسان سازمان ملل، بیش از سیزده بار از واژه "جنگ" بازدارنده سخن رفت. بوش اقدام عراق را یک ترند سیاسی دانست و از شورای امنیت خواست تا تصمیمی جدی و قطعی اتخاذ کند. به احتمال بسیار قطعنامه شورای امنیت با توجه به اظهار نظر کوفی عنان قطعنامه ای قوی تر از پیش خواهد بود که مجوز هر گونه اقدام بازدارنده در آن منظور خواهد شد. به این ترتیب به هیچ وجه نمی توان موضوع حمله به عراق و ایجاد درگیری در منطقه را منتفی دانست، بلکه می توان گفت به اعتباری به منظور انجام انتخابات آلمان و آمریکا و روشن شدن وضع دولت ترکیه و ایجاد آرامش نسبی در درگیریهای میان اسرائیل و فلسطینی ها و مساعد گشتن شرایط هوا... برای مدتی مآجرا به تعویق خواهد افتاد. با توجه به زمزمه هایی که درباره ایجاد تغییرات مرزهای جغرافیایی و از جمله تجزیه عربستان و دستیابی اسرائیل به سرزمین های جدید و چشم طمع دوختن ترکیه به موصل و کرکوک و... دور به نظر می رسد که دوران تنش شدید در منطقه یکبار بدون درگیری و تغییرات قابل توجه به آرامش تبدیل شود و همه چیز سامان منطقی بیابد.

با توجه به چنین آینده مبهمی است که ایجاب می کند ایران دیپلماسی فعال و سنجیده و متفاوتی با گذشته را در پیش بگیرد و اجازه ندهد در صورت درگیریها در منطقه، منافع کلان ملی، استقلال و یکپارچگی سرزمین و زیرساخت های اقتصادی کشور در معرض خطر و تجاوز قرار بگیرد. ما باید آگاهانه و هوشمندانه نه تنها خود را از تجاوز مستقیم که از ترکش ها در امان نگه بداریم و برای این کار با توجه به آنچه که از آن به عنوان اولتیماتم غرب توسط آخرین

هیأت اتحادیه اروپا یاد می شود، جا دارد تا همه چیز را جدی بگیریم و از رودروئی پرتنش با مجموعه غرب و بویژه آمریکا، با توجه به ابعاد نگران کننده اوضاع و احتمال بروز هر گونه فاجعه ای، هوشمندانه خود را برکنار بداریم و از یاد نبریم در حالی که همه قدرتها و کشورهای منطقه برآند تا بیش از هر چیز براساس منافع ملی خویش عمل کنند. ما نیز خردمندانه بکوشیم تا میهنمان به آتش کشیده نشود و آگاهانه از فرصتها بسود منافع ملی و تقویت اقتدار و یکپارچگی ایران و حفظ استقلال آن بهره بجوییم و فراتر از آن خود را در موقعیتی قرار دهیم که در ترتیبات سیاسی آینده منطقه براساس منافع ملی به نحو مطلوب نقش آفرین باشیم.



آقای رئیس جمهور!

اگر بار دیگر پاپس بکشید آخرین فرصت را از دست خواهید داد

آقای رئیس جمهور، اگر بار دیگر پاپس بکشید آخرین فرصت را از دست خواهید داد. آنهایی که به اعمال خشونت بیشتر می‌اندیشند باید بدانند که شرایط منطقه به هیچ روی آمادگی پذیرش حکومت‌های متکی بر خشونت و نیروی نظامی را ندارد.

سخنان رئیس جمهوری پس از مدتها سکوت در شهریور ماه در مصاحبه با خبرنگاران ایرانی و خارجی بیش از هر چیز روشنگر این امر مهم بوده که نیروهای انحصار طلب تشنه قدرت همچنان این وصله تن خود را فقط بدلیل آنکه بر روی برخی از خواسته‌های برحق ملت تکیه دارد، پذیرا نیستند و آمادگی آنرا ندارند تا باو فرصت دهند که اتحاد لطمه خورده شدید ملت را بار دیگر به حرکت اصلاح طلبانه جلب سازد، باشد که بخت یاری کند و بتواند کشور را از در غلطیدن در یک بحران نابود کننده نجات بخشد. نگاهی به اظهار نظر رسانه‌های معتبر جهانی درباره مصاحبه مذکور از جهات مختلف و در شرایط کنونی از اهمیت خاصی برخوردار است. هفته‌نامه تايم چنین اظهار نظر می‌کند: "خاتمی قدرت انحصاری تدریجاً را با یک اقدام حقوقی بی سابقه به چالش کشاند... خاتمی قصد دارد چنانچه شورای نگهبان لایحه وی را برای افزایش اختیاراتش و توکنند، یک همه پرسی برگزار کند... خاتمی شاید میخواهد نشان دهد که امید خود را برای پیگیری اهداف اصلاح طلبانه‌اش از طریق اجماع به دست آمده پشت درهای بسته با محافظه کاران، از دست داده است." خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز با همین رویکرد گزارش داد که رئیس جمهوری ایران اعلام کرده است که تلاشهایش برای همکاری تدریجاً به شکست انجامیده است. آنچه که رسانه‌ها از آن استنباط رجوع به همه پرسی را کرده‌اند باز می‌گردد به پاسخی که رئیس جمهوری در برابر این پرسش داد: اگر لوایح تضمین اختیارات رئیس جمهوری و تغییر قانون انتخابات رد شود چه خواهد کرد؟ پاسخ این بود که به داوری مردم رجوع خواهد نمود.

آری رئیس جمهوری چنانکه خود اشاره داشت به روشنی دریافته است که دیگر با تکرار جمله‌های زیبای گذشته و تکیه بر روند اصلاحات که به اعتباری، دیگر جاذبه‌ای در میان ملت ندارد و کاسه صبر مردم را لبریز کرده است، نخواهد توانست جامعه را آرام سازد و به شکیبایی دعوت کند. از اینرو طرح هر دو لایحه اصلاح قانون انتخابات و تضمین اختیارات رئیس جمهور برای باز داشتن صاحبان قدرت از تجاوز به قانون اساسی و زیر پا گذاشتن حقوق ملت را به عنوان یک موضع گیری برای امیدوار ساختن مردم ضروری تشخیص داد.

شمار فراوانی برآنند که جناح صاحب قدرت آنقدر در مورد این دو لایحه وقت کشی خواهند کرد و آنقدر شورای نگهبان سر و دم و اشکم آنرا خواهد زد که مجلس و دولت هر دو نظیر موارد دیگری چون قانون اصلاح مطبوعات، تعریف جرم سیاسی، سرمایه گذاری خارجی و... دست از تعقیب بردارند و آقای خاتمی را دارای چنان توانی نمی‌بینند که کار را به همه پرسی بکشاند. به بیان دیگر اکثریت جامعه به جایی رسیده است که این همه را نوعی به بازی گرفتن مردم به شمار می‌آورد و از اینرو معتقدند که مجموعه حاکمیت از بالا تا پایین بر طبق یک سناریوی تنظیم شده عمل می‌کنند تا با وقت کشیها فرصت لازم را برای خسته کردن مردم، تثبیت قدرت و در نهایت چانه زنی با قدرتها را در جهت حفظ موجودیت خویش فراهم آورند.

اگر این پندار بیش از این در جامعه قدرت بگیرد، بدون شک کشور را به پرتگاهی وحشتناک خواهد کشاند که سقوط در آن میتواند همه چیز را نابود بسازد. جبهه ملی ایران به عنوان کهن ترین سازمان ریشه دار ملی در ایران که بیش از هر چیز در هر شرایطی نگران استقلال و یکپارچگی کشور، وحدت و پاسداری از آزادیهای جامعه بوده و هست، به همه قدرت طلبان و ارگانهای وابسته به آنها هشدار می‌دهد که شرایط کنونی جهان و بویژه اوضاع بسیار حساس منطقه بیش از آن بحرانی و خطر آفرین است که اگر هر چه سریعتر دگرگونیهای اساسی در جهت تمکین از خواسته‌های روشن و صریح مردم برای دستیابی به استقرار حاکمیت ملی و تثبیت یک ساختار پارلمانی قوی برکنار از هر گونه اعمال نفوذ و سلایقه به هر نام و عنوان صورت نپذیرد و فشارهای شدید از روی روزنامه‌ها، چهره‌های سیاسی ملی و اصلاح طلبان و سازمانهای ریشه دار سیاسی برداشته نشود و نظریات کارشناسان و چهره‌های مورد قبول ملت برای برون شد از بحران مورد توجه کامل قرار نگیرد، با هیچ ترفند و اعمال قدرتی نخواهند توانست موقعیت خود را تثبیت کنند و سیل توفنده‌ای همه چیز این ملک را در هم خواهد کوبید.

آقای رئیس جمهور باید بدانند این آخرین فرصتی است که اگر با قاطعیت عمل کنند، امکان خواهد داشت تا مردم بار دیگر به روند اصلاحات با دید مثبت بنگرند و جریانهایی را که برآند تا همه چیز را برای کسب فرصت و تثبیت قدرت در هم بریزند ناامید سازند. آقای رئیس جمهور باید با صراحت برای جناح انحصار طلب روشن بسازند که بیش از این قادر نخواهند بود مردم را به آرامش فرابخوانند. از سوی دیگر، آنهایی که به اعمال خشونت بیشتر می‌اندیشند باید بدانند که شرایط منطقه به هیچ روی آمادگی پذیرش حکومت‌های متکی بر نیروی نظامی را ندارد. ایران، جز گام برداشتن بسوی حکومت ملی مردم سالارانه و آزاداندیش هیچ راه دیگری پیش رو ندارد و نمی‌تواند داشته باشد.

ملت ایران همیشه با دخالت کشورهای دیگر در تعیین سرنوشت خود مخالف بوده‌اند

یکی از بنیادی ترین مسائل این است که به طور عمده، ملت ایران، به ویژه نیروهای ملی که امروز خارج از حاکمیت قرار دارند، همیشه با اصل دخالت کشورهای دیگر در تعیین سرنوشت ایران مخالف بودند.

پرویز ورجاوند، سخنگوی جبهه ملی ایران در گفت و گو با خبرنگار سیاسی ایسنا افزود: بعید به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود تمام فشارها و برخوردهایی که می‌شود، مردم در جهت دستیابی به این اصول و ضوابط از پای بنشینند و از ساختاری تمکین‌کننده با اصل آزادی و حاکمیت ملی مغایر باشد. این که ما بگوییم آمریکا برنامه‌ای را ساخته و پرداخته کرده، و تصمیم دارد آن را در قالب اصلاحات در ایران به اجرا بگذارد، حرف درستی نیست. زیرا برای سامان گرفتن چنین کاری نخست می‌بایست نیروهایی نظیر آن چه که در بسیاری از کشورهای دیگر شاهد آن بوده‌ایم در اختیار گرفته شود. این ویژگی در جامعه‌ی ایران به دلایل مختلف و بخصوص با توجه به عملکرد آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد و عملکردهای بعدی آن کشور، وجود ندارد.

وی تصریح کرد: پدیده‌ی اصلاحات در جامعه‌ی ایران به این معناست که جامعه‌ی ایران از صبح دم انقلاب مشروطیت و حتی از چند دهه قبل از آن، خواستار جامعه‌ای قانونمند بوده و کوشش مردم بر این بوده است که سیستم پارلمانی را در ایران توانایی بخشیده تا این سیستم بتواند به نمایندگی واقعی از سوی مردم، به تنظیم و تصویب قوانین پرداخته و بر کار کلیه‌ی ارگان‌ها و شخصیت‌هایی که در این کشور به نحوی از انحاء در بعد سیاسی، حکومتی، مالی، انتظامی نقشی دارند، نظارت داشته باشد.

ورجاوند افزود: امروز در این جامعه شاهد این مساله هستید که یک عده در قالب استدلال کثرت‌گرایی و با حمایت‌هایی که بدون شک به دلایل روشن از جانب بیگانه از آن‌ها می‌شود، در جهت تجزیه‌ی بخش‌هایی از ایران زیر عنوان هویت طلبی قومیت‌ها در ایران - پدیده‌ای که اصولاً با ساختار تاریخی ایران، هیچ‌گاه تناسب نداشته - عمل می‌کنند و شمار غیرمنتظره‌ای نشریه منتشر کرده و دست به تظاهرات خاص می‌زنند اما تمام حاکمیت در مقابل آن‌ها سکوت مطلق دارند و متوجه این نیستند که چگونه عده‌ای تیشه به ریشه‌ی استقلال این کشور می‌زنند. در قبال این‌ها هیچ یک از مقام‌های امنیتی و اطلاعاتی و کسانی که در این کشور در برابر نیروهای ملی با خشونت برخورد می‌کنند، کلامی به زبان نمی‌آورند و اقدامی نمی‌کنند اما در برابر آن کسانی که به آزادی به معنی واقعی کلمه معتقد هستند و می‌گویند این آزادی باید در چارچوب حفظ منافع ملی و توجه به اصل استقلال و یکپارچگی این سرزمین و حفظ هویت فرهنگ ملی ایران باشد، برخورد می‌شود.

این استاد دانشگاه و پژوهشگر تاکید کرد: طرح برخی مسائل از جمله این که جامعه ظرفیت پذیرش اصلاحات را نداشته است، تحت تاثیر القائاتی است که در طول چندین دهه بخشی را مارکسیست‌ها و بخشی را تاریخ‌نگاران و تفسیرکنندگان غربی مطرح کرده‌اند. این کشور از یک پیشینه‌ی کهنی در چارچوب مسائل مربوط به حرکت کردن در مسیر جامعه‌ی مدنی برخوردار است. طرح این مسائل از سوی کسانی است که با تاریخ ایران آشنایی واز آن آگاهی لازم را ندارند.

احمد شاه مسعود، قهرمانی که بار دیگر نام بابک خرم دین را در نبرد با بیگانگان و بیگانه پرستان زنده ساخت

در پی دعوتنامه دولت افغانستان برای شرکت دکتر پرویز ورجاوند عضو رهبری و سخنگوی جبهه ملی ایران در مراسم نخستین سالگرد شهادت قهرمان بزرگ احمدشاه مسعود و انجام سخنرانی در آن نشست، با وجود تماس با مقامهای دولتی، همچنان از دادن گذرنامه به ایشان خودداری گردید. لازم به یادآوری است که در پی بازداشت سال ۱۳۶۰ ایشان و جمعی دیگر از رهبران و فعالان جبهه ملی ایران، گذرنامه ایشان همراه با مدارک دیگر ضبط گردید که تا کنون پس داده نشده است و از صدور گذرنامه مجدد خودداری شده که تا کنون با وجود چندین دعوت برای شرکت در کنفرانس های مختلف، ایشان نتوانسته است در آنها حضور بیابد. پیام زیر که بوسیله سفارت افغانستان مخابره گردید، در مراسم بزرگداشت مزبور خوانده شد.



شاه مسعود، در میان دیگر فرماندهان مجاهدان، در گام نخست با دوراندیش بودنش برجسته تر می باشد. در استانهای زیر فرمان او، به ویژه در مناطق شمال خاوری افغانستان، جایی که او عملاً دولت مستقلی راهبردی می کرد، زندگی بر روای عادی خود در جریان بود.

[احمد شاه مسعود] بی تردید خیلی هشیار است و از دیگر رهبران مجاهدان، نظر به استعدادی که در سازماندهی امور نظامی دارد، برجسته تر می باشد. انسان با نهایت اراده و پرشوری است. مسعود در حل مسایلی که رویاروی او قرار دارند، از هدمندی و پیگیری خارق العاده کار می گیرد. هنگام پیشبرد عملیات رزمی، اوضاع و توازن قوا را با فراست ارزیابی می کند و توانایی آنرا دارد که به طور مستقیم تصمیم گیری کند. خیلی بردبار است. آری این است بخش کوچکی از نوشته های دشمن شماره یک او و فرمانده ارتش اتحاد شوروی در افغانستان، در قبال شیر دره پنجشیر، قهرمانی که به اسطوره پیوست، تا ملتش در مسیر آزادگی و سرفرازی گام بردارد و میهنش به استقلال واقعی دست بیابد.

یاد و نامش تا جهان برپاست زنده و جاویدان باد
دکتر پرویز ورجاوند

فرود خواهند آورد و یا تار و مار خواهند شد. قدرتهای جهانی مؤثر در اوضاع افغانستان می دانستند که شاه مسعود از اعتبار و نفوذ بسیار بالا و کاریزماتیک در میان اکثریت مردم افغانستان برخوردار است و می بایست در زمانی که تصمیم به انجام دگرگونی های اساسی در افغانستان گرفته می شود، چهره ای چون احمد شاه مسعود را در برابر خود نداشته باشند. به باور من شاه مسعود می توانست نقشی ویژه را در همبستگی ملی در افغانستان بر عهده بگیرد و به پدیده دولت - ملت در آن سرزمین جامه عمل ببوشاند و به دوران درگیریها و برخوردهای درون جامعه با هوشمندی و توانایی پایان بخشد.

برای آنکه درباره منش و توانایی های این قهرمان بزرگ سخن گفته شود، کتابهای بسیار باید نوشت. من در پایان این پیام برای نشان دادن عظمت آن قهرمان، بی مناسبت نمی بینم تا چند جمله از نوشته های فرمانده سپاه شوروی "سپهد گروموف"، فرماندهی که سالها رو در روی او قرار داشت و دشمن شماره یک او بشمار می رفت بسنده کنم. "عملیات جنگی بر ضد احمد شاه مسعود برای مادشوارترین و پیچیده ترین عملیات ها بود... احمد شاه مسعود شبکه خیلی گسترده و پردامنه ای از گزراشگران و خیرچینان در میان رهبران ارتش افغانستان و حکومت کشور داشت که همواره او را در جریان رخدادها می گذاشتند... احمد

بزرگترین ارتش تاریخ جهان و به زانو در آوردن آن سخن می گوید، نام و نقش بزرگ او را نادیده انگارد. من شک ندارم که با انتشار اسناد محرمانه قدرتهای جهانی در آینده، بر همگان روشن خواهد گشت که میان فاجعه شهادت احمد شاه مسعود، رویداد ۱۱ سپتامبر و پیاده کردن نیرو در افغانستان و پایان دادن به سلطه ظاهری طالبان، پیوندی ناگسستنی وجود دارد. قدرتهای جهانی و کشورهای وابسته به آنها که خود بنیان گذار القاعده و پدیدآورنده طالبان بودند، می دانستند که با حضور احمد شاه مسعود، در پی سقوط طالبان، شرایطی ویژه بر افغانستان حاکم خواهد گشت و او از آنچنان توانی برخوردار است که دولت موقت افغانستان با نقش آفرینی کم نظیر او خواهد توانست به سرعت پایه های یک حکومت ملی را مستقر سازد و عوامل آشوب طلب و مزدوران القاعده و طالبان، در مدتی به نسبت کوتاه سر تسلیم

پیام به کنگره بزرگداشت نخستین سالگرد شهادت احمد شاه مسعود، قهرمانی که بار دیگر نام بابک خرم دین را در نبرد با بیگانگان و بیگانه پرستان زنده ساخت.

باندوه فراوان از اینکه به من اجازه داده نشد تا بتوانم دعوت دولت افغانستان را پذیرا شوم و در کنگره بزرگ قهرمان ملت افغانستان و همه باشندگان حوزه فرهنگ دیرپا و گسترده دری زبانان شرکت بجویم و بر گور آن قهرمان کم نظیر بوسه زنم، از این رو وظیفه خود دانستم تا این پیام کوتاه را بفرستم تا در آن نشست خوانده شود.

احمد شاه مسعود از زمره قهرمانانی است که نه تنها نامش در تاریخ این حوزه فرهنگی برای همه نسل های آینده این گستره و برای همیشه چون اسطوره آرش جاویدان خواهد ماند، که هیچ پژوهشگری در آنسوی جهان نیز نخواهد توانست وقتی از حماسه آفرینی های مردم افغانستان در برابر

احمد شاه مسعود از زمره قهرمانانی است که نه تنها نامش در تاریخ این حوزه فرهنگی برای همه نسل های آینده این گستره و برای همیشه چون اسطوره آرش جاویدان خواهد ماند



کنکاش در رسانه‌ها

مهاجرت مغزها معادل یک سوم سرمایه گذاری سالانه ایران است

ایسنا: ۵۶ درصد ایرانیان مقیم آمریکا دارای مدرک علمی تخصصی بوده، این نسبت در مورد آمریکایی‌ها تنها ۲۰ درصد است و همچنین ۵/۱ درصد ایرانیان مقیم آمریکا، دارای مدرک دکتری هستند که این نسبت برای آمریکایی‌ها تنها ۰/۸ درصد است.

دکتر بایزید مردوخ، استاد دانشگاه در گفت و گو با ایسنا همچنین تصریح کرد: زمانیکه سرمایه‌های انسانی و متخصص مهاجرت می‌کنند، پدیده فرار مغزها به وجود می‌آید.

...وی با اشاره به این که در کشور، آمار دقیقی از تعداد مهاجرت کردگان در دست نیست، یادآور شد: برخورداری نسل جدید از آینده‌نگری نسبت به نسل گذشته، موجب می‌شود برای کسب این اطمینان به مهاجرت روی آورند.

این اقتصاددان، در بیان علل مهاجرت مغزها به دو عامل جذب و دفع و تفاوت بسیار بین این دو عامل اشاره کرد و گفت: عامل دفع در کشور ما سبب مهاجرت عده زیادی از متخصصین شده است...

وی با اعلام این که طبق آمارهای به دست آمده، ۵ هزار پزشک و ۲ هزار استاد ایرانی در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کنند، افزود: ۴/۱ درصد ایرانیان مقیم آمریکا، مدرک فوق لیسانس دارند که این درصد بین آمریکایی‌ها ۴/۷ درصد است.

۳/۳ درصد ایرانیان در آمریکا مدرک لیسانس دارند ولی این نسبت در بین آمریکایی‌ها ۳/۸ درصد است. همچنین طبق یک آمار تعداد دانشمندان ایرانی مقیم آمریکا بیش از هزار نفر است.

به گفته این استاد دانشگاه، درآمد سالانه حدود ۱۰۰ ایرانی مقیم آمریکا، بالغ بر یک میلیارد دلار است و رقم سرمایه این ۱۰۰ نفر بیش از ۵۰ میلیارد دلار برآورد شده است. همچنین میانگین درآمد خانوارهای ایرانی مقیم آمریکا، ۲۰ درصد

بیش از میانگین خانوارهای آمریکایی است و درآمد سالانه نزدیک به ۱۷ درصد این خانوارها بیش از ۷۵ هزار دلار است؛ در حالیکه این نسبت ۲ برابر درآمد خانوارهای آمریکایی در این گروه درآمدی است.

همچنین از هر ۶۰ شرکتی که هر ماه در دره سیلیکان کالیفرنیا، تأسیس می‌شود، حداقل دو شرکت آن متعلق به ایرانیان بود. وی گفت: این آمار و ارقام وقتی به گوش نسل جوان می‌رسد، علاقه‌مند به مهاجرت می‌شوند. بنابراین اگر عوامل

جاذب در کشور نتواند با حذف عوامل دفع، جمعیت جوان را مطمئن به ماندن کند، آنها نیز مهاجرت خواهند کرد. به گفته وی، دفعه، بستگی به وضعیت روحی، روانی و اجتماعی افراد دارد که اکثریت این عوامل (دافع) به عملکرد

دستگاههای دولتی باز می‌گردد و بخشی که جزو قلمرو و تأثیرگذاری دولت نیست، عواملی جهانی هستند و ارتباطی به فرد و جامعه ندارند.

این استاد دانشگاه یکی از عوامل جذب نیروهای متخصص را گسترش اطلاعات دانست و افزود: این عامل باعث می‌شود جاذبه‌هایی از نظر کار، معیشت و تأمین آینده برای افراد تعریف شود تا آنها را علاقه‌مند به ترک کشور کند.

دکتر مردوخ، نظام بوروکراسی در کشور را از عوامل دیگر دافعه عنوان کرد و گفت: با ایجاد شبکه شورایی در کشور می‌توان امیدوار بود دولت با قدرت قانونی بیشتر به اداره امور استانها و شهرستانها پرداخته، بخش عظیمی از مشارکت

سیاسی در این شوراها تحقق یابد و نسل جوان تحصیل کرده احساس مشارکت بیشتری داشته باشند. وی در پایان با تأکید بر این که باید در کشور شبکه تحقیقاتی و پژوهشی آماری ایجاد شود تا با مهاجران پس از مهاجرت نیز ارتباط

برقرار کنیم، افزود: مهاجران نباید احساس کنند که دیگر برای کشورشان مفید نیستند؛ در حالی که ما می‌توانیم با برقراری ارتباط از خدمات علمی و تخصصی آنها استفاده کنیم.

ارزبایی عملکرد سیاست خارجی در یک سال گذشته

برای سیاست خارجی خود در پیوند با منافع ملی تعریف روشن و مشخصی نداریم

"بیانیه‌ای که شخص رئیس جمهور در جریان حوادث یازده سپتامبر منتشر کرد یکی از هوشمندانه‌ترین کارهایی بود که به دنبال آن با قضایا درست برخورد شده و از آن بهره گرفته شود." دکتر پرویز ورجاوند به خبرگزاری ایسنا گفت که اگر به دنبال آن بیانیه و موضع گیری، یک سری هماهنگی‌هایی را بوجود می‌آوردیم که می‌توانست شرایط ایران را از نظر سیاست خارجی منجر به دسترسی به تعامل مبتنی بر منافع ملی با آمریکا نماید قادر بودیم تا در یک بستر مثبت حرکت کنیم.

وی اضافه کرد: "این بستر می‌توانست ما را از بسیاری نگرانی‌ها دور کند. بطور کلی می‌توانیم بگوییم ما آغازگر خوبی بودیم ولی در تعقیب حوادث مسایل را چنان ساخته و پرداخته کردند و ما آنچنان در لاک موضع گیری‌های خاص دفاعی و انفعالی قرار گرفتیم که نتوانستیم از آن آغاز معقول بهره‌های لازم را بگیریم." دکتر ورجاوند ادامه داد: "همه این مسایل نشان دهنده این است که ما اصولاً برای سیاست خارجی خود در پیوند با منافع ملی تعریف روشن و مشخصی نداریم. یک سیاست خارجی موثر و موفق عبارت از آن سیاست خارجی است که بتواند موجبات حضور موثرتر یک کشور را در زمینه مسایل اقتصاد جهانی فراهم کند." وی با تحلیل مقایسه‌ای ایران و چین در قبال سیاست خارجی این دو کشور خاطر نشان کرد: "ما در سیاست خارجی خود در بعد از انقلاب نتوانسته‌ایم یک سیاست خارجی روشن و شفاف که جوابگوی منافع ملی باشد، را ساماندهی کنیم. ما وزارت خارجه‌ای داریم که سخنگوی آن هر روز از صبح که بیدار می‌شود بایستی تکذیب کرده و به سخنان دیگران حمله کند. در حالیکه هیچ گاه استراتژی سیاست خارجی ما بر مبنای اقدامی که همراه با دستیابی به همگامان استراتژیک باشد، نبوده است. ما تنها کشوری هستیم که در حلقه‌ی محاصره‌ی پایگاه‌های نظامی آمریکا قرار داریم و فکر نمی‌کنیم این را بتوان بعنوان جنبه‌ی مثبت سیاست خارجی ایران ارزیابی کرد."

محمد رضا خاتمی:

سکوت رئیس جمهوری انتخاب میان "بد" و "بدتر" است

ایرنا: محمد رضا خاتمی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: "سکوت رئیس جمهوری در برابر برخی از مسائل، ناشی از انتخاب میان "بد" و "بدتر" است.

اگر زمانی سکوت باعث انتخاب و وضعیت بد نسبت به بدتر شود باید سکوت کرد. وی اظهار داشت: "به نظر من، تمام تلاش آقای خاتمی، حرکت در مسیر قانون و ایجاد آرامش در جامعه است البته نه آرامش ناشی از یاس و ناامیدی، بلکه آرامشی که مردم را به تفکر وادارد." محمد رضا خاتمی تأکید کرد: "فشاری که رئیس جمهوری تحمل میکند کمتر از آناتی نیست که از او انتقاد مینند."

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: "رئیس جمهوری معتقد است نباید از محدوده قانون، مصالح ملت و منافع ملی دور شد حتی اگر به ضرر ما باشد."

وی ادامه داد: "آقای خاتمی روی اصولی که دارند ایستاده‌اند و به آن پایبند هستند و به هیچ عنوان از مواضع خود عدول نخواهند داشت، اگرچه شاید ما در روش و سلیقه برخی از این مواضع را نپسندیم."

خبرنگاری نظر محمد رضا خاتمی را در خصوص بیانیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در خصوص سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی پرسید. وی در پاسخ گفت: "بسیار

مایه تأسف است که یک تشکل سیاسی روحانی به جایی میرسد که حرفش خیلی در جامعه طرفدار ندارد و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم خود باید این خطر را احساس کند."

خاتمی درباره احتمال توقیف برخی روزنامه‌ها و بازداشت بعضی از چهره‌های اصلاح طلب گفت: "این همه گرفتند و بستند آیا همه چیز تمام شد؟ جریان اصلاحات متوقف شد؟ جریان اطلاع رسانی متوقف شد؟ چه چیزی نصیبمان شد؟ حتی عده‌ای از محافظه

کاران هم این روش را نمی‌پسندند."

وی در پاسخ به اینکه آیا بحث خروج از حاکمیت جدی است به برنامه‌های جبهه مشارکت ایران اسلامی و تأکید بر استفاده از همه ظرفیتها اشاره کرد و گفت: "اگر پس از

آنکه از تمام ظرفیت‌ها استفاده کردیم و متوجه شدیم ماندنمان هزینه اداره کشور را سنگین کرده است، کنار می‌رویم و آن وقت خودشان بیایند پاسخ دهند."

محمد رضا خاتمی تصریح کرد که دستیابی به وضعیت نهایی در این باره خیلی طولانی نخواهد شد.

پیک خوزستان:

نگاهی به روند اصلاحات و شرایط امروز آن

از رویدادهای سیاسی ماه گذشته می توان به توقیف روزنامه "آئینه جنوب" و نیز روزنامه در نطفه خفه شده "روز نو" اشاره کرد که البته اینگونه توقیفها در چند سال اخیر به خبری عادی و روزمره و نه چندان مهم تبدیل شده است. به نحوی که اگر در طول یکماه خبر تعطیلی روزنامه ای به گوش نرسد، غیر طبیعی و شگفت انگیز می نماید.

زندانی شدن دکتر هاشم آقاچری عضو مرکزی سازمان مجاهدین به اتهام توهین به مقدسات، حکم انحلال حزب پر سابقه و ریشه دار نهضت آزادی ایران، ادامه محاکمه افراد سرشناس معروف به ملی-مذهبی ها و احضار چندین تن از نمایندگان مجلس رژیم به دادگاه نیز از جمله خبرهای داغ پر بازتاب این ماه بودند.

تداوم سرکوب گسترده نیروهای دگر اندیش و تحول طلب در سالهای اخیر، جامعه را با پرسشی جدی پیرامون "ماهیت اصلاحات" مواجه کرده است و اینکه آیا اصلاحات "جنبشی است اصیل و مردمی که از متن جامعه برخاسته است" و یا "تلاش رژیم جمهوری اسلامی است برای بقا و تحکیم پایه های خود" از مقولات بحث انگیز، پر دامنه و جنجال آفرین در میان مردم و نیز مجامع و محافل سیاسی است و هر فرد صاحب نظر یا غیر صاحب نظری می کوشد بسته به نوع نگرش زاویه دید خود از میان این دو احتمال یکی را برگزیند و از آن دفاع نماید. ولی نگارنده به امکان نوعی جمع و تلفیق منطقی میان این دو دیدگاه ظاهراً متضاد اعتقاد دارد که به دلایل ویژه خود مستند است.

از این واقعیت تاریخی ناپستی غفلت نمود که در اواخر دوره دولت دوم رفسنجانی کوششهای فرهنگی عمیق و ریشه دار روشنفکران و نواندیشان بویژه نیروهای ملی از کانال نشر کتاب و مطبوعات و بویژه گسترش یافتن "نهضت ترجمه" همراه و همگام با دیگر کشورهای جهان سوم و نیز توسعه فعالیتهای احزاب و گروههای اپوزیسیون علیرغم فشارها و محدودیتهای شدیدی که بر آنها اعمال می شد، تا حدودی در ارتقاء سطح آگاهی های سیاسی جامعه ایران مؤثر و نقش آفرین بود و نوعی دگرگونی ژرف را در بینش و نگرش جامعه پدید آورد. این دگرگونی که رشد آگاهی مردم نسبت به نیازها و حقوق تاریخی، اجتماعی و سیاسی و مصالح و منافع ملی خود و سیستم مطلوب حکومتی در جهان مدرن و توسعه یافته و آشنایی آنان با مفاهیمی چون "آزادی"، "دموکراسی"، "سکولاریسم"، "پلورالیسم"، "تساهل و تسامح" و... را به همراه داشت، با افزایش مطالبات ملی و نیز به بلوغ رسیدن نسل سوم انقلاب که نگاهی متفاوت به "انسان"، "هستی"، "جامعه" و "تاریخ" داشتند و بالاخره اوضاع نابسامان کشور در تمامی زمینه ها خصوصاً در بُعد اقتصادی، موجی از نارضایتی عمومی و زمزمه های تحول طلبانه و ترقی خواهانه ای را در میان آحاد جامعه پدید آورد که اگر سرکوب و یا مهار نمی شد، با گذشت زمان، دور از ذهن نبود

مولد جنبشی ریشه دار و توانمند گردد که بی شائبه می توانست تهدیدی جدی برای ادامه سلطه خود کامگان و تمامیت خواهان بر ارکان قدرت بشمار رود.

چنانکه گفته اند:

تپیدنهای دلها ناله ها "فریاد" می گردد

هماهنگار شود این ناله ها "فریاد" می گردد

بنابراین رژیم حاکم در تقابل با این موج جدید- که یک واقعیت اجتماعی غیر قابل انکار و چشمپوشی تلقی می شد- تنها دو گزینه را در پیش روی داشت: نخست سرکوب و دوم مهار جنبش.

ولی سردمداران حاکمیت، پیامد سرکوب جنبش تحول طلب اجتماعی را که- همانا سوق دادن آن به سوی براندازی قهرآمیز و تبدیل شدن آن به سازمانهای مخفی مسلح چریکی با عملکردهای کور زیرزمینی بود- در رژیم سابق به عینه شاهد بودند و هزینه ای را که شاه مخلوع بدلیل در پیش گرفتن این سیاست پرداخت کرد، بخوبی لمس کرده بودند. بنابراین از میان دو استراژی "سرکوب" و "مهار" (یعنوان تنها گزینه های موجود) دومی را برگزیدند که نتیجه آن به صحنه آمدن "خاتمی" نامی بود که تلاش کرد با طرح شعارهای زیبا و رنگارنگی که بحق تبلور و نمود مطالبات خفته ملت ایران بود، رهبری و قافله سالاری نهضت اصلاح گرایانه و تحول طلبانه ملت ایران را بدست گیرد و این جنبش اصیل و مردمی را به سمت و سویی هدایت (یا بقولی منحرف) کند که بجای تضعیف پایه های قدرت حاکمان، منجر به تقویت آن گردد.

باید بخاطر داشت اندیشه مترقی "جامعه مدنی" نخستین بار با انتشار ویژه نامه ای از سوی مجله "ایران فردا" (وابسته به اپوزیسیون ملی) در سال ۱۳۷۵ در سطح جامعه مطرح، تئوریزه شده بود که محمد خاتمی پس از ظهورش در یکسال بعد، خود را بانی و پرچمدار آن قلمداد کرد. نیز کمتر کسی می داند که مهمترین دستاورد خاتمی در عرصه سیاست خارجه یعنی طرح "گفتگوی تمدنها" نیز سالها پیش از این از سوی یک استاد دانشگاه ایرانی ارائه شده بود که در اینجا نیز خاتمی بعنوان نظریه پرداز آن در سطح ایران و جهان معرفی گردید.

بدین شیوه بود که خاتمی توانست برهه ای از زمان طیف وسیعی از روشنفکران و نواندیشان را با خود همسو و همراه سازد و آنان را به مسیری که از پیش برایشان تعیین شده بود، سوق دهد. (گرچه در سنوات بعد شاهد ریزش تدریجی نیروهای طرفدار وی بودیم. بطوریکه روند این ریزش امروز تا درونی ترین لایه های اصلاح طلبان درون حکومتی نیز کشیده شده است.)

بنابراین اصلاحات نیز دقیقاً همانند انقلاب ۵۷ جنبشی اصیل و برخاسته از متن جامعه بود که به توسط برخی جریانات پنهان و تا حدودی ناشناخته در مسیری قرار گرفت که می تواند سر از ناکجاباد در آورد. بعبارت دیگر هرگز نمی توان حاکمیت جمهوری اسلامی را خالق و مبدع اصلاحات قلمداد کرد و از سوی دیگر روند کنونی اصلاحات در ایران- که من آنرا "شبه اصلاحات" می نامم- به معنی واقعی کلمه منطبق با خواستها و نیازهای اساسی ملت ایران نمی باشد.

جنبش اصلاحی و تحول طلبانه ملت ایران که خواستار محو هرگونه استبداد و خودکامگی و استقرار حاکمیت ملی است، هرگز به بن بست نمی رسد (و بطور قطع بازگشت ناپذیر بوده، و چنانچه با سرکوب مواجه شود، بجای توقف رادیکال تر و توفنده تر می شود). بلکه این جنبش شبه اصلاحی است که با ناتوانی از محقق ساختن وعده های خود به بن بست رسیده است. حاصل سخن اینکه در این برهه از زمان، یورش به اصلاحات هرگز به صلح ملک و ملت نیست، بلکه "براه آوردن اصلاحات" و تمیز دادن اصلاح طلبان راستین از شبه

عقب نشینی عراق و ادامه بحران

صدام حسین در یک عقب نشینی قابل پیشبینی، ورود و نظارت بدون قید و شرط بازرسان سازمان ملل متحد را پذیرفت ولی آمریکا ضمن رد این پذیرش، موضوع خلع سلاح عراق را بلافاصله مطرح و بدبینی خود را نسبت به صداقت دولت عراق در این امر اعلام کرد. اگر چه کمتر کسی در دنیا باور می کند که صدام حسین به قول و قرارهای خود پای بند بماند، همچنان که در مورد ادامدهای خودش به اردن پناهنده شده بودند، به قولی که در مورد دادن تأمین جانی به آنها داده بود عمل نکرد و آنها را مثل بسیاری دیگر کشت.

بنابراین اقدام تاکتیکی او نه تنها خطر را از حکومت صدام حسین دور نمی کند، بلکه فرصتهای جدیدی را در اختیار دولت آمریکا قرار می دهد تا اولاً ظاهر موجبی به حمله خود به کشور عراق بدهد، ثانیاً فرصت بیشتری برای یارگیری، جلب پشتیبانی جهانی و انتقال نیرو به منطقه بدست آورد. ثالثاً از نظر فصلی و وضعیت جوی در شرایط بهتری حمله را آغاز کند و رابعاً مهمترین از همه بازرسان اعزامی از سوی سازمان ملل، اطلاعات ذیقیمتی در مورد محل های استقرار نیرو و نقاط حساس سوق الجیشی ارتش عراق در اختیار آمریکا و متحدین آن کشور قرار دهد. بنابراین باید منتظر سناریوی جنگی حمله به عراق و عواقب آن بود، که بوی ناخوشایند تغییرات ساختاری و جغرافیایی در کل منطقه را به دنبال دارد.

استخدام نماینده مجلس!

سرپرست دفتر نظارت شورای نگهبان در مشهد، مشابه بسیاری از مقامات منتسب به شورای نگهبان و جناح راست در گفت و گویی اظهار داشته است

(نقل به مضمون) چگونه است که برای استخدام یک حسابدار، شرایط و صلاحیت او مورد بررسی قرار می گیرد، اما این بررسی در مورد نماینده مجلس نباید صورت بگیرد!

روانشناسان معتقدند بسیاری از افراد گاهی مکتوبات درونی و نظر قلبی خود را بدون اختیار بیان می کنند و از این رو بعضی از افراد مشابه فرد فوق الذکر نیز در ذهنش خبر استخدام نماینده برای مجلس نمی گنجند، طبیعی است وقتی صحبت از استخدام است، استخدام کننده ضمن تعیین شرایط می تواند حق انتخاب، نحوه آزمون و ارزیابی فرد مستخدم را برای خود قائل باشد!

اصلاح طلبان و تقویت طیف اول وافشای طیف دوم، تنها راه نجات ملت ایران از بحرانهای هولناک و دهشتزای کنونی است. در غیر اینصورت ایران فردا مواجه با انقلابی سهمگین، بی رحم و ویرانگر خواهد بود که حاصل استیصال و خشم جنون آسای توده های مردمی گرسنه و بی ایمان است. امری که به هیچ وجه مطابق با امنیت و منافع ملی ایران به نظر نمی رسد.

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com